

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نعیم سلیمی - کابل / افغانستان
۲۷ جولای ۲۰۱۹



قسمت اول

برخورد دوگانه و متناقض جامعه جهانی در مورد تعزیرات

جامعه جهانی و قوانین بین المللی برخاسته از آن چه عجیب مصیبتی است؛ مثلاً قانون بین المللی تعزیرات را مانند افزار و فنون جنگی به رسمیت شناخته و استفاده از آن را به دست قتال شورای امنیت ملل متحد به مثابه آشیانه دیپلوماسی دزدان امپریالیستی جایز می پندارد؛ آنچه را در اینمورد یاد آوری نمودم دقیقاً میان سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ در جنگ علیه عراق اتفاق افتاد و درین جنگ جهانی شورای امنیت با تمام بیشرمی و وقاحت تعزیرات کشنده علیه ملت و مردم عراق را، مدیریت نمود که در حقیقت امر نمی توان آن را چیز دیگری بیش از یک پالیسی جینوساید و نسل کشی مبتنی بر امحای تمامی اساسات ساختار زندگی اجتماعی / اقتصادی عوام الناس این کشور تلقی نمود که از یک تفسیر نادرست، دوگانه و غیر منطقی آن شورا در زمینه، منشأ می گیرد.

بطور خلاصه باید یاد آور شوم که در نتیجه وضع این تعزیرات در دهفنون، بیشتر از ۵۰۰.۰۰۰ (پنج صد هزار) از اطفال عراقی بنا بر عدم دسترسی به مواد غذایی مکفی و سوء تغذیه به هلاکت رسیدند و در آنزمان خانم مادلین البرایت سفیر و نماینده فوق العاده رئیس جمهور کلینتن که بعداً به سمت وزیر خارجه امریکا ارتقا ی مقام پیدا نمود طی مصاحبه با یک خبرنگاری به نام لاسلی ستال با طرح سؤالی از جانب شخص خود البرایت که «آیا بهای ارزش این کار را داشت»، با حاضر جوابی گفت که «... من فکر می کنم که چنین کاری ناشی از یک انتخاب دشوار است؛ اما راجع به بهای آن ما فکر می کنیم ارزش چنین قیمتی را داشت.» (نعیم سلیمی، معیار سنجش اخلاقی ارزش در جهان سرمایه داری، نشریه چاپی سیاسی "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، ۲ جنوری ۲۰۱۹)

قبل ازین که به جزئیات بیشتر بررسی مشارکت جهانی جرمی جینوسایدی جامعه جهانی بپردازم ، لازم می دانم تا ماهیت سرشتی جامعه جهانی و قانون بین المللی را که توأم با گناه پا به عرصه وجود گذاشته است از زبان برخی از متخصصان و حقوقدانان خود این جامعه توضیح نمایم که برای درک درست مطلب ما را در این راستا یاری می نماید. فیلیپ آلات ، پروفیسور متقاعد و افتخاری حقوق عامه بین المللی در دانشگاه کامبریج در مورد ریشه شناسی و مصیبت شناسی جامعه جهانی چنین می نویسد : « ما گردهم آمده ایم تا یک سیستم بین المللی را که مابعد جامعه فئودالی بوده و با رنگ عنبرین نگارش یافته است ، داشته باشیم . این خود یک سیستم غیر دموکراتیک و ضد اجتماعی می باشد که در آن دولت ها به اصطلاح "روابط بین المللی" را به نام منفعت ملی از طریق تمرین قدرت به منظور پیاده نمودن سیاست خارجی توسط برگزاری ذرایع دیپلوماسی که در سرگرمی های قرون وسطی آن را "جنگ" می نامیدند و با تعبیر اسفناک مدرن آمیخته با حسن برداشت امروزی اسم "تشنجات مسلحانه" را به آن گذاشته اند ، عملی می نمایند . چنین است ماهیت پروسه اجتماعی جامعه بین المللی که در آن از جامعه خبری نیست . » (فیلیپ آلات ، حقوق بین المللی و انقلاب جهانی : آبنسن مجدد جهان ۱۹۸۹ / ۱۰)

توماس مارتین فرانک پروفیسور حقوقدان و متخصص دیگری در مسایل مربوط به حقوق بین المللی نیز در تأیید از دیدگاه فیلیپ آلات ، به این باور می باشد که « جامعه عبارت از تجمع و مجمعی است که به مرحله انکشاف پیشرفته آن رسیده باشد » (ژرنال شماره ۹۶۲ اروپائی حقوق بین المللی ، جلد دوم / ۲۰۰۲ / صفحات ۹۶۱ - ۹۹۲)
بناءً با جمع نمودن این دو دیدگاه به این نتیجه می رسیم که جامعه جهانی نیز مانند جوامع مدنی دستاورد و یا فتوحات مرحله پیشرفته تری از تاریخ یعنی که ساختار سرمایه داری می باشد که علی رغم پیش قراول بودن آن در دوره بندی های تاریخ بشر از همان آغاز ، نطفه آلوده معصیت استثمار و بهره کشی انسان از انسان را با خود حمل نموده و می نماید .

تجزیرات در واقعیت امر عبارت است از یک عملیه کشتار دسته جمعی و نسل کشی بوده که بیشتر از همه سلاح سلاخی دلخواه امپریالیزم ایالات متحده امریکا علیه سایر کشور ها ، مردمان و ملت ها می باشد.
به طور مثال بعد از بیرون شدن امریکا از معامله هسته ئی امریکا / ایران (برجام) و با از سر گرفتن تعزیرات در نومبر سال گذشته ، قصر سفید در ماه اپریل سالجاری اعلان نمود که هدف امریکا عبارت از این است که "صادرات ایران را به نقطه صفری برساند" ؛ همچنان قصر سفید تلویحاً بالای کشور هائی چون هند، چین، کوریای جنوبی، جاپان، ترکیه فشار وارد نمود تا نفت ایران را وارد ننمایند؛ چنین امری در واقعیت صدور فرمان و دستور بالای کشور های دارای حاکمیت ملی و مستقل می باشد که با کی تجارت و داد و ستد کنند و با کی نکنند . سخن صرفاً در اینجا و با دیکته کردن خلاصه نمی شود ، بلکه ایالات متحده امریکا از آنهم فراتر رفته و در ماه دسمبر سال پار مقامات کاندائی را وادار نمود تا یک مقام بلند پایه (رئیس مالی کمپنی تیلی کام هوای های Huawei) را به نام مینگ ونزو ، توقیف و بازداشت نمایند ؛ نامبرده فعلاً در کانادا تحت محاکمه به سر می برد این که کمپنی وی از تعزیرات امریکا علیه ایران تخطی ورزیده است ؛ چگونگی وقوع این ماجرا واقعا دلچسپ است ، زیرا برای این که امریکا دنیا و مردم چین را متقاعد ساخته باشد که بالای آنها دیکته نمی نماید ، کشور ثالث را که کانادا است دخیل می سازد .

یک اقتصاد دان شناخته شده ای به نام مارک وایزبرات در رابطه گذشته های تاریخی تعزیرات امریکا علیه ایران در یک نشریه به نام Real News Network می نویسد « زمانی که تعزیرات در ۲۰۱۲ وضع گردید ، تولیدات مواد نفتی به ۸۳۲.۰۰۰ بیبرل در روز کاهش یافت و درآمد محصولات خالص به ۷.۷ درصد رسید ؛ و زمانی که تعزیرات

در ۲۰۱۶ حین حصول موافقتنامهٔ برجام برداشته شد ، تولیدات مواد نفتی به ۹۷۲.۰۰۰ بی‌ریل در روز ارتقاء یافت و درآمد محصولات خالص ۱۲ درصد ازدیاد را در همان سال ، کسب نمود و زمانی که در ۲۰۱۸ تعزیرات دوباره وضع گردید ، محصولات نفتی به طور سرسام آوری دوباره کاهش یافت و انفلاسیون ۵۱ درصد افزایش پیدا نمود . تحقیقات دانشگاه کالیفرنیا در راستای این تعزیرات از کمبود برخی از اقلام ادویه های ضروری در ایران ، گواهی می دهد که خود نتیجه و پیامد مستقیم این تعزیرات می باشد.

شما درینمورد چگونه می اندیشید ؟

ادامه دارد....